

## انقلاب اسلامی ایران و نظام بین الملل موشکافی در طیف همسویی تا تقابل

دکتر عباس ملکی\*

### چکیده

بررسی زمینه‌ها، عوامل، روند و وقوع انقلاب از جمله مهمترین مباحثی است که بعنوان فلسفه وجودی جامعه‌شناسی انقلاب تلقی می‌شود. مشخصه‌هایی وجود دارند که در تمام انقلاب‌ها مشترکند. اول آنکه انقلاب سریع رخ می‌دهد. دوم، انقلاب‌ها لاجرم در یکی از بخش‌های خود از زور استفاده می‌نمایند. سوم، انقلاب یک جایگزینی سیاسی است و مستلزم تعویض گروه حاکم با گروه دیگری است. و نهایتاً آنکه انقلاب، تغییر است. اگر چیزی تغییر نکند، انقلابی هم رخ نداده است.

انقلاب اسلامی ایران، به مثابه آخرین انقلاب اجتماعی بزرگ واقع شده در جهان در چارچوب انقلاب‌های کلاسیک است. این رویداد تنها در ایران دگرگونی حاصل نکرد، بلکه دارای پیامدهای متعدد در جهان اسلامی و بازتاب‌های متنوع در سراسر جهان بود. برخی بازتاب روانی انقلاب ایران را با جنگ ۱۹۰۵ - ۱۹۰۴ روسیه و ژاپن مقایسه می‌کنند که در آن کشوری جهان سومی قدر اروپایی عظیمی را تحقیر کرد. در این مقاله تنها ۲۰ موضوع کوچک در ارتباط با تعامل انقلاب اسلامی ایران و نظام بین‌المللی به خوانندگان عرضه می‌شود.

استخراج مهمترین خواص به هم پیوسته یک پدیده یا یک رویداد از واقعیت، از جمله ابزارهای اصلی علوم اجتماعی است.<sup>۱</sup> بررسی زمینه‌ها، عوامل، روند و وقوع انقلاب از جمله مهمترین مباحثی است که به‌عنوان فلسفه وجودی جامعه‌شناسی انقلاب تلقی می‌شود. به‌صورت خلاصه مشخصه‌هایی وجود دارند که در تمام انقلاب‌ها مشترکند. اول آنکه انقلاب سریع رخ می‌دهد. فرآیندهای تدریجی تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که همواره در تمام جوامع وجود دارند از جمله اصلاحات،<sup>۲</sup> انقلاب محسوب نمی‌شوند. دوم، انقلاب‌ها لاجرم در یکی از بخش‌های خود از زور استفاده می‌نمایند.<sup>۳</sup> سوم، انقلاب یک جایگزینی سیاسی است و مستلزم تعویض گروه حاکم با گروه دیگری است و نهایتاً آنکه انقلاب، تغییر است. اگر چیزی تغییر نکند، انقلابی هم رخ نداده است.<sup>۴</sup> انقلاب اسلامی ایران، به مثابه آخرین انقلاب اجتماعی بزرگ واقع شده در جهان در چارچوب انقلاب‌های کلاسیک است. این رویداد تنها در ایران دگرگونی حاصل نکرد، بلکه دارای پیامدهای متعدد در جهان اسلام و بازتاب‌های متنوع در سراسر جهان بود. برخی بازتاب روانی انقلاب ایران را با جنگ ۱۹۰۵-۱۹۰۴ روسیه و ژاپن مقایسه می‌کنند که در آن کشوری جهان سومی قدرت اروپایی عظیمی را تحقیر کرد.<sup>۵</sup> در این مقاله تنها چند موضوع کوچک در ارتباط با تعامل انقلاب اسلامی ایران و نظام بین‌الملل به خوانندگان عرضه می‌شود:

#### ۱. انقلاب ایران به نحو روشنی بازتابی از مفاهیم اسلامی است

اساس اسلام در ارتباط با مردم و جهان، در مفهوم دعوت نهان شده است. اسلام بر آن است

۱. کالورت، پیترو، انقلاب و ضد انقلاب، ترجمه حسن فشارکی، ص ۹.

۲. دفرونزو، جمیز، انقلاب اسلامی ایران از چشم انداز نظری، ترجمه حمیرا مشیرزاده.

3. Katz, Mark, N.; *Revolutions and Revolutionary Waves*, New York: St. Martin Press, 1997.

P. 34 - 5.

۴. کالورت، ص ۱-۲۰.

۵. دیوید لانگ، بازتاب انقلاب ایران بر شبه جزیره عربستان و کشورهای خلیج فارس؛ جان ال در اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، ص ۱۱۶.

که همه جهان را به آشنایی با مبانی این دین دعوت نماید. انقلاب ایران نیز دعوت از تمامی مستضعفان و محرومان جهان را سرلوحه اهداف خارجی خود قرار داده بود. این موضوع در ارتباط با ایجاد امت اسلامی نیز قرار می‌گیرد. یکی دیگر از عناصر آموزه انقلاب اسلامی ایران آرمان رهبری ستم‌دیدگان جهان علیه قدرت‌های مستکبر است.<sup>۱</sup>

## ۲. انقلاب ایران، جهان شمولی را از اهداف خود می‌دانسته است

کرن برینتون در کتاب کالبد شکافی انقلاب می‌گوید که همچون انجیل که بدنبال جهانی کردن مسیحیت است، انقلاب‌ها در آمال و اهداف خود جهان مشمولند.<sup>۲</sup> همچنین چالمرز جانسون در کتاب خود از یک سنخ‌شناسی شش وجهی صحبت می‌نماید که بر اساس آن انقلاب‌ها را با ۴ ضابطه - انقلاب بر ضد چه کسانی است، ماهیت افراد انقلابی، آرمان‌های انقلاب و انقلاب از قبل طراحی شده یا نه - برخی از انقلاب‌ها را هزاره‌ای می‌خواند. منظر جانسون آن است که انقلاب هزاره‌ای به امید تغییری ریشه‌ای در جهانی جدید است که همه چیز آن از نو ساخته می‌شود.<sup>۳</sup>

صدور انقلاب اسلامی و یا دعوت از تمامی جهانیان برای آشنا شدن با مبانی انقلاب هدف اصلی سیاست خارجی ایران است. با آنکه تمامی چشم‌ها در پس از پیروزی انقلاب ایران به منطقه خلیج فارس دوخته شده بود که چگونه این انقلاب وضعیت را در این مناطق تغییر می‌دهد، اما همه آنچه که تئوریسین‌های غربی در مورد تاثیر انقلاب ایران بر مسلمانان دیگر کشورها پیش‌بینی می‌کردند بوقوع نپیوست. شاید علت اصلی عدم توفیق مردمان دیگر کشورهای اسلامی در متابعت از اندیشه‌های انقلاب ایران، پیشگیری حکومت‌های این کشورها از هر گونه تغییر در صحنه اجتماعی کشورهای مزبور بود. بدین صورت با سرکوب شدید شیعیان و کردها توسط صدام حسین و کشتن رهبران اجتماعی همچون آیت‌الله

۱. ساندرامک کی، ایرانی‌ها: ایران، اسلام و روح یک ملت، ترجمه شیوا رویگریان.

2. Brinton, Crane; *The Anatomy of Revolution*, New York: Vantage Books, 1965, P. 45.

3. Johnson, Chalmers, *Revolutionary Change*, Boston: little Brown, 1966, P. 23 - 4.

محمد باقر صدر، از هرگونه حرکت در لایه‌های اجتماعی عراق جلوگیری گردید.

رهبران شیعیان بحرین دستگیر شدند، در لبنان مسلمانان و بخصوص شیعیان در فشار سه جانبه مسیحیان، اسرائیل و فلسطینیان در حال نابودی بودند و در عربستان نیز هرگونه حرکت مخالف با حضور آمریکا بشدت سرکوب گردید. در کویت نیز شیعیان به بهانه‌های واهی دستگیر شدند. اما اکنون در پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و تغییرات عمیق در روابط کشورهای منطقه با نیروهای مسلط فرامنطقه‌ای و در پی فروپاشی رژیم صدام، حرکات اجتماعی در کشورهای اسلامی که در دهه ۱۹۸۰ منتظر آن بودند، اکنون در حال بروز است. حزب‌الله لبنان تنها نیرویی که تاکنون در تاریخ اسرائیل توانسته است این کشور را به زور از اراضی اعراب بیرون راند افتخار همه اعراب شده است. مردم عراق در حال ایجاد کشوری نوین بر پایه دموکراسی هستند و قانون اساسی افغانستان به نحو بی‌سابقه‌ای از قانون اساسی جمهوری اسلامی الهام گرفته است. در دیگر نقاط منطقه از آنچه که ۲۵ سال قبل از آن به‌عنوان تاثیر انقلاب اسلامی یاد می‌کردند، اکنون در حال بروز است.

شیعیان شرقیه تنها یاوران حکومت فعلی عربستان سعودی گشته‌اند و در بحرین تظاهرات برای اعطای حقوق مدنی بیشتر در حال انجام است. در بزرگترین کشور جهان، اتحاد شوروی نیز گرچه از ابتدای انقلاب ایران بدلیل تجاوزات ارتش سرخ به خاک افغانستان انقلاب ایران به‌عنوان مکتب مبارزه با کمونیسم مطرح گردید، اما همانطور که امام خمینی در پیام خود به رهبر شوروی، میخائیل گورباچف تاکید کرده بود و مسلمانان شوروی با رادیوهای یک موج خود این پیام را شنیدند، نه چندان مدت بعدتر، مارکسیسم را در موزه تاریخ سیاسی جهان جای دادند. می‌توان نتیجه‌گیری نمود که بازتاب جهانی انقلاب ایران نمودی از تاثیر غیر مستقیم انقلاب ایران بوده و ایران عمدتاً نقش الگو را داشته است. الگوی ایران برای فعالان مسلمان محلی عامل شتاب دهنده‌ای بود و آنان می‌دیدند که نگرانی‌های آنان، اینک نه منحصر بفرد است و نه لاینحل.<sup>۱</sup>

۱. جان ال اسوزبتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، ص ۳۳۱.

۳. انقلاب ایران به صورت کاملاً مشخصی از پدیده‌های شیعی سود برده است تاریخ و نهادهای ایران از هنگام استقرار اسلام به عنوان دین دولتی در قرن شانزدهم با تشیع درآمیخته و با فراز و فرودهایی از آن زمان به بعد اعتقادات، رهبری و نهادهای شیعی جزء لایتجزای کشور و جامعه بوده است.<sup>۱</sup> استفاده از مفاهیمی همچون عاشورا، شهادت در راه‌پیمایی‌های بزرگ در ایام مذهبی کامل روشن است.<sup>۲</sup> اما آنچه که در موضوع رابطه با بیرون مد نظر است، استفاده از مفهوم مهدویت است.<sup>۳</sup> مهدویت به‌عنوان اندیشه‌ای که در نهایت جهان را علیرغم مظاهر فساد، تفرقه و مادیت، به حکومت جهانی واحد و محیط امن و آزاد می‌رساند، دارای پیامدهای بین‌المللی است. سیاست خارجی بنا شده بر مفهوم مهدویت از هر گونه حرکت همگرایانه در سطح جهان و یا در سطح منطقه‌ای حمایت می‌نماید. بنابراین اتحادیه اروپا، اتحادیه تجارت آزاد آمریکای شمالی، سازمان وحدت آفریقا و سازمان همکاری‌های شانگهای اصالتاً دارای پیام منفی برای انقلاب ایران نیست. موضوع انتظار همچنان در ادامه حرکت انقلاب اسلامی نقش آفرین است. به‌صورت کلی استفاده از عناصر شیعی به گرایش و علاقه مردم به کشور خودشان افزوده است و بدین ترتیب راه را برای هرگونه تهدید خارجی بسته است. اصولاً مذهب قادر به تشویق وابستگی فرد به قلمرو و در دوران جدید به دولت - ملت بوده است.

۴. انقلاب اسلامی از آنچه که در تاریخ ایران به صورت رویه و یا جریان واقع شده،

سود برده است

انقلاب‌ها به وضوح در درون مجموعه‌ای از الگوهای فرهنگی از پیش موجود بوجود می‌آیند که بسیاری از این الگوها از رژیم قبل انتقال می‌یابند. در ایران به مانند دیگر کشورها، انقلاب

۱. همان، ص ۱۶.

۲. حامد الگار و دیگران، نهضت بیدارگری در جهان اسلام، ترجمه محمد مهدی جعفری، ص ۱۱۰.

۳. روح‌الله حسینیان، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، ص ۱۱۷ - ۱۱۵.

سرآغاز تحول در تاریخ نبود که در آن هر چیزی فقط بنابر اراده انقلابیون امکان‌پذیر شود.<sup>۱</sup> استفاده از موضوعاتی همچون نوروز، در همین ارتباط است. در سیاست خارجی نیز ایران از روابط گذشته ایران با دیگر کشورها سود برد، مشارکت در سازمان‌های بین‌المللی را ادامه داد و تنها خط کلی سیاست خارجی را از وابستگی به آمریکا به استقلال تغییر داد.

##### ۵. انقلاب ایران در عین حال بر پایه‌های وطن دوستی و وطن پرستی (ناسیونالیسم) بنا شده است

ایرانی‌ها هزار سال قبل از میلاد در فلات مرتفع ایران ساکن شدند. ایرانی‌ها از اعقاب نژاد اروپایی‌ها بودند که از آسیای مرکزی خارج شده و آریایی نام داشتند. ایرانیان از گروه‌های مختلف که دارای زبان و گویش‌های مختلف هستند تشکیل شده‌اند.<sup>۲</sup> حتی از لحاظ مذهب نیز ایران کشوری یکدست همچون افغانستان و یا عربستان سعودی نیست. معمای بزرگ این است که از میان آمیزه متنوع زبانی، قومی و مذهبی یک حس نیرومند هویت ایرانی که تمام مردم ایران در آن سهیمند، دیده می‌شود. گرچه آنانی که طی قرون به ایران هجوم آوردند و در آن ساکن شدند، هویت و فرهنگ خود را به همراه داشتند، اما بلااستثناء تحت تاثیر سنت‌های فرهنگی فلات ایران قرار گرفتند که در قرن پنجم قبل از میلاد توسط آریایی‌ها کاشته شد و از قرون شانزدهم میلاد، مذهب شیعی آن را بارور نمود.<sup>۳</sup>

برخی گمان می‌بردند که بواسطه تاکید رهبران انقلاب بر اصول مذهبی، موضوع ایرانیت در این حرکت مغفول مانده است. مهمترین نشانه ایران‌دوستی رهبران انقلاب مقاومت آنان و مردم در برابر تجاوز عراق به ایران است. امام خمینی در پاسخ به درخواست ریاست گروه ویژه کنفرانس اسلامی برای اتمام جنگ ایران و عراق که گفته بود اگر کمی از اراضی و یا آب‌های

۱. برای دیدن وضعیت ایران در تاریخ و روابط آن با محیط بیرونی نگاه کنید به: عبدالهادی حائری، نخستین

رویاروئی‌ها اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورپوازی غرب.

۲. نیکی آرکدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی.

۳. مک‌کی، ص ۱۲.

ایران به عراق اضافه شود، راه دوری نرفته است، گفته بودند که اگر برای هر یک وجب از خاک ایران هزاران شهید دهیم ارزش آن را دارد که تمامیت ارضی این آب و خاک را حفظ نماییم. بجای هر گونه بحث نظری تنها به ذکر سه مثال می‌پردازیم:

الف) در زمان حیات حضرت امام برخی پیشنهاد می‌نمودند که برای نزدیکتر شدن به وحدت اسلامی مناسب است که از برخی از نام‌های ایرانی چشم‌پوشیم. منجمله مناسب است که بجای نام بردن از خلیج فارس بگوییم خلیج اسلامی تا همه اعراب و ایرانیان رضایت دهند. امام با این پیشنهاد مخالفت کردند.

ب) در یکی از نطق‌های وزیر خارجه وقت در مورد رودخانه مرزی مابین ایران و عراق از واژه شط العرب استفاده شده بود. امام با قلم خود آن را به اروند رود تغییر داده بودند.

ج) حساسیت ایرانیان اعم از مردم، مسئولان و ایرانیان خارج از کشور در مورد استفاده مجله نشنال جئوگرافیک از دو نام برای خلیج فارس موجب حیرت دیگر کشورها گردید.

بنابراین عناصر ناسیونالیستی انقلاب ایران کم‌اهمیت‌تر از دیگر عناصر آن نیست. هنر انقلاب ایران تلفیق عناصر اسلامی و ملی با یکدیگر بوده است. احیای ناسیونالیسم در برخی از موارد مانند جزایر ایرانی سه‌گانه در خلیج فارس می‌تواند نیروی موثری در حفاظت از منافع ملی ایران باشد.

۶. ایرانیان مردمانی دانش‌دوست هستند

علم، مبنای هویت و سیاستگذاری در ایران است.<sup>۱</sup> توجه ایرانیان به دانش‌اندوزی موضوع روشنی است و گرایش به داشتن تحصیلات در میان مردم عادی کوچک و بازار قابل لمس است. اما نکته دیگر آن است که سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در ایران نیز بهره‌مند از مدل‌های علمی است.

1. Hourcade, Bernard; "The Revolutions of October", in **International Conference on Iran Twenty Five years after Revolution**, New Delhi, March 8-9, 2004.

## ۷. حمایت از جنبش‌های آزادیبخش راه را برای یک سیاست خارجی مبتنی بر منافع ملی سد نمی‌نماید

حرکت‌های مردمی و جنبش‌های آزادی‌بخش از یک نگاه ابزاری برای اعمال موثر سیاست خارجی کشورها می‌تواند باشد. همچون گروه‌های غیر دولتی و یا رسانه‌ها که کاملاً مشهود است که چگونه کشورهای بزرگ از آنان استفاده می‌نمایند. حتی رژیم‌های مانند اسرائیل برای هرگونه فعالیت‌های گسترش طلبانه خود، بشدت از عوامل رسانه‌ای و همچنین ایجاد فشار علیه خصم خود به بهانه‌های حقوق بشر و تروریزم استفاده می‌نماید. جادارد که ایران نیز از چنین اهرم‌هایی استفاده نماید. نزدیکی به حزب‌الله لبنان علاوه بر بعد اسلامی و شیعی آن از این بعد نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که دفاع در برابر رژیم صهیونیستی بهتر است که در نزدیکی خانه دشمن باشد تا در نزدیکی مرزهای ایران و یا در داخل کشور. انقلاب ایران از ابتدا الگویی برای دیگر مردمان بود. برخی زودتر از آن درس گرفتند همچون مردم مصر، جنوب فیلیپین، مالزی، اندونزی، سودان، نیجریه و برخی در میان مدت مانند لبنان، جمهوری‌های آسیای مرکزی، قفقاز و جمهوری‌های فدراسیون روسیه و برخی دیرتر همچون بحرین و عراق.

## ۸. سیاست خارجی ایران مجموعه‌ای از هماهنگی با نظام جهانی و در عین حال مخالفت با آن است

همسو با روندهای کلی در نظام جهانی، ایران نیز همچون بازیگران دیگر صحنه بین‌المللی در تکاپو برای حداکثر نمودن منافع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خویش است. در باب تاثیراتی که انقلاب بر نظام بین‌الملل بر این نکته تاکید می‌نمائیم که نظام بین‌الملل، نظامی محافظه‌کار است که به حفظ وضع موجود می‌پردازد و حرکت‌هایی که نظم حاکم را به چالش بکشند، برنمی‌تابد.<sup>۱</sup>

تفکر روابط بین‌الملل پس از جنگ دوم که عمدتاً تحت سلطه پارادایم‌های واقع‌گرایی و نو



واقع‌گرایی بود به طور گسترده‌ای از تاثیر تغییرات درون کشوری در سیاستگذاری خارجی چشم‌پوشی کرد. براساس این پارادایم‌ها سیستم بین‌المللی نقش‌ها و هنجارهایی را ایجاد می‌کند که همه دولت‌ها مجبورند خود را با آنها وفق دهند، حتی دگرگونی‌ها عظیم انقلابی منجر به تغییر رادیکال رفتارهای یک دولت در عرصه بین‌المللی نخواهند شد، مگر اینکه تغییرات منجر به فروپاشی آن دولت شوند. اما باید گفت که حتی اگر دولت‌های پس از انقلاب در بلند مدت از قواعد و هنجارهای بین‌المللی پیروی کنند، در کوتاه مدت سیاست خارجی آن کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهند چرا که ایدئولوژی انقلابیون پیروز برای مشروعیت بخشیدن و تحکیم رژیم نیاز به این کار دارد. به‌صورت اولیه ایران با اکثر جریانات بین‌المللی همسویی دارد. ایران همچنین تصویر «جامعه جهانی» که بر پایه قوانین و هنجارهای رفتاری‌ای قرار گرفته است که همه بازیگران موظفند خود را با آنها وفق دهند را نیز نمی‌پذیرد در نهایت روابط بین‌المللی ایران بسیاری از تعاریف پذیرفته شده منافع ملی را به چالش می‌کشد. عضو فعال ملل متحد است و در مجامع این سازمان همچون مجمع عمومی و کمیته‌های وابسته فعالیت می‌نماید. در سازمان‌های تخصصی جهانی نیز از اعضای صاحب نظر است. در عین حال در موارد استثنایی نیز مخالف برخی از روندهای فعلی است. از جمله در مخالفت با اسرائیل جدی است. حتی الامکان می‌کوشد که از هژمونی آمریکا بکاهد و در مواردی که موضوع به نوعی مستقیماً با نظرات اسلام میبایست دارد مخالف می‌ورزد. مانند مسئله تساوی کامل حقوق زنان، سقط جنین و توهین به رسول‌الله. منافع ملی ایران نیز بخش دیگری است که مطمح نظر تصمیم‌گیرندگان است و در مواردی به این دلیل با نظرات غالب بر صحنه جهانی مخالف می‌کند مانند موضوع غنی‌سازی اورانیوم.

۹. سیاست خارجی جمهوری اسلامی، صحنه برخورد و تعامل واقع‌گرایی و آرمانگرایی است

همه انقلاب‌ها لاقلاً در ظاهر سودای آرمانگرایی در سر دارند. نبرد نهایی که نظام پیشین را

در هم می‌ریزد، از ستیز بین آرمانشهر و وضعیت موجود ریشه می‌گیرد.<sup>۱</sup> از یکسو، انقلاب اسلامی، یک انقلاب ایدئولوژیک بوده و الزامات و اهداف مکتبی خود را بدنبال دارد و از سوی دیگر ایران کشوری است همچون دیگر ملت - کشورها با محدودیت‌ها و فرصت‌های خاص خود. آیا این دو با یکدیگر در تنازع دائمی هستند؟ و یا می‌توان آنها را در کنار هم داشت؟ مقصد یک سیاست خارجی متکی بر ایدئولوژی، تاثیرگذاری بر محیط و در نهایت، تغییر آن مطابق آمال خویش است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، علیرغم جوانی و کم تجربگی، بواسطه اصول انقلاب، اهداف عظیم و والایی را در عرصه‌ای به وسعت سراسر جهان پیش روی خود دارد.<sup>۲</sup> در مقابل، سیاست واقع‌گرا، جولانگاه عینیات و محاسبات مادی است. ملاحظات و مقدرات بر آن حاکم است. شکست و پیروزی، دو واژه پررنگ و تالوئی است که از یکی پرهیز و به سوی دیگری گام برداشته می‌شود. فضیلت، واژه غیر قابل فهمی است که در اهداف سیاست واقع‌گرا راه نمی‌یابد.<sup>۳</sup> یک نظام متکی بر ایدئولوژی، چاره‌ای جز تلفیق واقع‌گرایی و آرمانخواهی ندارد تا علاوه بر حفظ و پیشرفت خود، در مسیر تحقق خواسته‌های نهایی آرمانهایش نیز کوشش کند و چنانکه گفته شد، لاجرم این کوشش در محدوده توان و مقدرات نظام برای تضمین ادامه حیات آینده آن صورت می‌گیرد.

#### ۱۰. محیط معاصر بین‌المللی خود مساعد برای اندیشه‌های انقلاب است

جهان امروزه در همه جا فراگیر است، دیدنی و شنیدنی است از طریق شبکه ارتباطات. زمین در حال کوچک شدن و تبدیل به یک دهکده جهانی است. بدون وارد شدن در مباحث جهانی‌سازی و جهانی شدن، به این نکته بسنده می‌نمائیم که فواصل جغرافیایی در حال کوتاه شدن برای آنان است که می‌خواهند مشاهده کنند و بدانند. اگر امروزه یک نفر در ترکیه کسی

۱. فرهنگ رجایی، ایدئولوژی و جهان بینی ایرانی: صدور فرهنگ انقلاب، در اسپوزیتو، جان ال، انقلاب و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شاهه چی، ص ۱۶.

۲. علی اکبر ولایتی، سخن نخست، مجله سیاسی خارجی، شماره ۱، ۱۳۶۵، ص ۳۰.

۳. عباس ملکی، ایده آلیسم و رئالیسم، مجله سیاست خارجی، شماره ۳، تابستان ۱۳۶۶، ص ۴۰۸.

را کتک بزند، از طریق رسانه‌ها این موضوع تبدیل به یک اغتشاش در سیستم بین‌المللی خواهد شد. اگر در جایی شیر نفت را ببندند، در جای دیگری چرخ‌ها از حرکت بازخواهند ماند. انقلاب اطلاعاتی برای طرح اندیشه‌ای نو و افکار جدید زمینه‌های آماده‌ای همچون ارتباطات الکترونیک را دارد. دوم آنکه صحنه بین‌المللی بلحاظ بیشتر شدن بازیگران در حال بیشتر بهم ریخته شدن است، کشورها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های فراملیتی، و گروه زیادی که منافع آنان در خارج از مرزهای کشورهای خود است. به همین دلیل پیچیدگی حوادث بیشتری شده است.

سوم آنکه تغییرات در اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با سرعت بیشتری در حال انجام شدن است. تاثیرات آنها عمیقتر شده و به نوعی فرم آشوب را بر خود گرفته است و حتی تغییر در ارزش‌ها که تاکنون بنیادی و اساسی بوده‌اند شدت گرفته است. اگر کسی امروزه ادعا نماید که با فضای بین‌المللی آشناست، فردا مشاهده خواهد کرد که محیط به نوعی دیگری است. بنابراین تغییرات ساختاری جهانی یک موضوع تک عاملی نیست و براحتی برای سئوالات بی‌شمار پاسخ نمی‌توان یافت. و چهارم آنکه موضوع بزرگی و عظمت نتایج عملکرد هر واحد سیاسی در صحنه بین‌المللی است. در گذشته اگر فعالیت‌های دیپلماتیک پیشگیرانه به نتیجه نمی‌رسید، حداکثر کشورها بسمت جنگ کشیده می‌شدند. سربازان به جبهه‌ها می‌رفتند و به بقیه مردم نیز القا می‌گردید حالت، حفظ آرامش است. اما امروزه یک تصمیم اشتباه از طرف رهبران کشورها، اگر به جنگ منتج گردد، دیگر جنگ‌ها محدود و با خسارات کم نیستند، بلکه ممکن است که در انتهای جنگ کشوری از صحنه جغرافیا حذف شود و یا کل بشر نابود گردد.

#### ۱۱. روندهای کلی در جهان معاصر با انقلاب ایران همسوست

در جهان امروز چهار روند کلان به چشم می‌خورد: جهانی‌سازی، منطقه‌گرایی، دمکراسی‌گرایی، و نهایتاً افول سکولاریسم.

## جهانی سازی:

تعبیر و تفسیر از جهانی شدن متنوع و گوناگون است.<sup>۱</sup> آمریکایی‌ها مراد خود از جهانی سازی را یکسان سازی فرهنگ و عادات و سنن مناطق مختلف جهان می‌دانند و آمریکا را حافظ نظم نوین جهانی و عبارتی پلیس بین‌المللی دانسته که با ابزار نظامی، اقتصادی و بخصوص بازار انرژی، کنترل جهان را در دست دارد. پیشینه تاریخی این پدیده در حقیقت بازگشت به دوران پس از فروپاشی شوروی سابق و بلوک شرق است. این حادثه در آخرین دهه قرن بیستم مهمترین نقطه عطف در حوزه روابط بین‌الملل بود. پس از این رویکرد در صحنه بین‌الملل، نظام تک قطبی در غرب درصدد تئوری پردازی‌های جدیدی برآمد که از جمله این تئوری‌ها می‌توان به نظریه جورج بوش (پدر) رئیس جمهور آمریکا در پس از حمله به عراق در ۱۹۹۱ مبنی بر «نظام نوین جهانی» اشاره نمود. باتوجه به این پیشینه تاریخی می‌توان به راحتی از پیوند وثیق و عمیق تجدد و جهانی شدن پرده برداشت. در حقیقت جهانی شدن، جلوه دیگری از پدیده تمدن موجود است که دقت در اهداف و کارکردهای آن می‌تواند بخوبی اهداف جهانی شدن را هویدا سازد.<sup>۲</sup> جهانی سازی در معنای واقعی آن، پیاده شدن یکی از ارزش‌های انقلاب اسلامی است که در چارچوب مهدویت به آن اشاره شد. نهایتاً این ارزش‌های شیعی است که در محیط آماده جهانی به ناکامی‌های بشریت پایان می‌دهد.

## منطقه گرایی:

تاریخ تمدن بشری از تجارب تلاش برای یکپارچگی ملت‌ها از طریق زور و شمشیر آکنده

۱. برای آشنایی با جهانی شدن به منابع زیر مراجعه فرمائید:

- فرهنگ رجایی، پدیده جهانی شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ.

- رابرتسون، رونالد، جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی.

- Waters, Malcolm; **Globalization**; London: Routledge, 1995.

- Hirst, Paul & Grahame Thompson; **Globalization in Question**; Cambridge: Polity Press, 1996.

- Ma Newman, Roxana, P. O, Meara, H. D. mehlinger, & M. Krain; **Globalization and the Challenges of a New Century**; Indianapolis: Indiana University Press, 2000.

۲. محمدرضا مجیدی، ده گفتار پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۲۰۹-۱۸۱.

است. تجربه همگرایی در گذشته بجز از راه زور، کمتر موفق بوده است. تجربه همگرایی منطقه‌ای اروپا که با تشکیل جامعه ذغال و فولاد در ۱۹۵۷ آغاز گردید، سبب شد که گرایش به توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و بهره‌گیری از مزایای آن در میان کشورهای جهانی گسترش یابد. در میان کشورهای در حال توسعه در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا نیز طرح‌های همگرایی منطقه یا ایجاد گردیده است. اگرچه هیچکدام از این طرح‌ها به اندازه منطقه‌گرایی در اروپا که نهایتاً به تشکیل اتحادیه اروپایی منجر گردید، موفق نبوده است، اما نباید از نظر دور داشت که سازمان‌های منطقه‌ای در یک قضاوت کلی دارای کارنامه مثبتی در سطح جهان بوده‌اند. هر چند که اهمیت متغیر عامل خارجی و عوامل سیاسی دیگر در همکاری‌های منطقه‌ای در جهان سوم سبب بروز دشواری‌هایی در مسیر تحقق آن گردیده است.

علیرغم دشواری‌های جدی که طرح‌های همگرایی منطقه‌ای در جهان سوم با آن روبه‌رو شده‌اند، در منطقه خاورمیانه نیز برای ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای اقداماتی انجام گردیده است. در این منطقه تشکیل سازمان همکاری منطقه‌ای برای عمان (آر. سی. دی) در ۱۳۴۳ با شرکت ایران، ترکیه و پاکستان قابل اشاره می‌باشد. اعضای این سازمان، توسعه صنعتی بر اساس الگوهای ارائه شده از سوی کشورهای غربی را مورد توجه قرار دادند. به‌رغم پیوندهای فرهنگی - تاریخی در میان اعضای آر. سی. دی، این سازمان در طول فعالیتش که تا ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ادامه یافت، به دستاورد چشمگیری دست نیافت.

ایده شورای همکاری خلیج فارس در ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) توسط ایران پیشنهاد گردید، اما کشورهای دیگر خلیج فارس یعنی عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، امارات متحده عربی و عمان که ایران را به تنهایی قوی و قدرتمند می‌دیدند، مایل به تجمع در یک سازمان منطقه‌ای که تفوق ایران را تشدید می‌نمود، نبودند. علی‌الخصوص که نفوذ عراق در میان نخبگان و هیئت حاکمه کشورهای عربی خلیج فارس در آن زمان غیر قابل کتمان بود. در ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این بار ۶ کشور جنوب خلیج فارس، شورای همکاری را بدون ایران و عراق تشکیل دادند. هر چند که شورای همکاری در زمینه‌های دفاعی، نظامی و امنیتی به دستاوردهای قابل توجهی دست نیافته است، اما در

مواردی مانند همکاری‌های اقتصادی، بازگردانی، کاهش تعرفه‌ها، گمرگ، لغو رویداد و... موفق بوده است. مهمترین دستاورد شورای همکاری، محاوره با اتحادیه‌های دیگر منطقه‌ای در جهان بخصوص اتحادیه اروپا بوده است که در صدور کالاهای کشورهای عضو شورا به اروپا موثر بوده است. به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۴ سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) در میان ایران، پاکستان و ترکیه تشکیل گردید.

گسترش تجارت، ایجاد رشد و توسعه پایدار، تحکیم علائق و پیوندهای فرهنگی و اجتماعی، کمک به رشد تجارت جهانی و از میان بردن سیاست‌های بازرگانی تبعیض‌آمیز نسبت به کشورهای در حال توسعه نیز از اهداف این سازمان اعلام گردید. در سال ۱۳۷۰، جدا شدن کشورهای آسیای مرکزی از اتحاد شوروی و استقلال آنان مقارن با پیوستن این کشورها به این سازمان بود. فرصتی که بدون شک اگر در اختیار سازمان دیگری قرار می‌گرفت، موثرتر از آن استفاده می‌نمود. جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز که به اگو پیوستند، همگی از دسترسی به آب‌های آزاد محروم بوده و در عین حال از منابع غنی انرژی برخوردار هستند. عوامل عینی و ادراکی مانند همگونی و تقارن، فرهنگ مشترک و نیازهای عینی، سبب پیوستن جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز به اگو گردید، اما ساختارهای اقتصادی و سیاست‌گرایی زودرس، روند همگرایی میان اعضای اگو را کندتر کرده است. افغانستان، آخرین عضو اگو نیز با توجه به تحولات پس از ۱۱ سپتامبر می‌تواند بخشی از نوسازی خود را از طریق اگو محقق سازد. همچنین برون‌گرایی با درجات مختلف در بین اعضای اگو و بخصوص ترکیه و تمایل شدید به وارد شدن به اتحادیه اروپا وجود دارد. منطقه‌گرایی خود پیش نیاز حکومت جهانی واحد است. چیزی که انقلاب اسلامی از ابتدای ظهور خود در پی آن بود.

دمکراسی‌گرایی:

حکومت، زائیده موافقت یا رضایت حکومت شونده‌گان است. این مطلب اساس دمکراسی در جهان معاصر است. طبق نظریه قرارداد اجتماعی، دولت به مثابه یک سرداور و یا یک داور

بی‌طرف در جامعه است. دولت مظهر منافع تمامی شهروندان است و هر گاه افراد یا گروه‌ها دچار تضاد منافع شوند، در اینجاست که دولت وارد عمل شده و قواعد بازی و شرایط قرارداد را به‌اجرا در می‌آورد. اگر این نقش دولت بیشتر مورد توجه لیبرال‌های، کسانی نیز هستند که نقش اساسی دولت را مبارزه با بی‌عدالتی در جامعه می‌دانند. مفهوم دموکراسی در سطح جهانی به عنوان «یک چیز خوب» محسوب شده است. گرچه هیچ تعریف مورد قبول یا قطعی برای دموکراسی وجود ندارد، اما مردم از طریق برگزیدن نمایندگان خود در حقیقت حکومت را تشکیل داده و جامعه را اداره می‌نمایند. دموکراسی نمایندگی، حکومت را در دستان طبقه‌ای از سیاستمداران حرفه‌ای، از جمله افرادی که مسئولیت آشکار دارند، قرار داده تا آرمان‌های مردم را به واقعیت نزدیک نمایند. در عین حال خاطر نشان می‌شود که بدلیل آنکه افرادی که از طرف مردم انتخاب می‌گردند، انسان‌هایی با رفتار و محدودیت‌های انسانی هستند، همیشه این دغدغه وجود دارد که آیا نمایندگان مردم، عقاید آنها را بیان می‌نمایند و یا نظرات خود را؟ البته بازخور رفتار حکومتگران در دوره بعدی انتخابات، نشان می‌دهد که مردم در این مورد چگونه قضاوت نموده‌اند. علیرغم تمامی ناکاستی‌های دموکراسی، همچنان این روش به‌عنوان بهترین روش از میان مجموعه‌ای از بدترین راه‌های اداره حکومت از جمله استبداد، هرج‌ومرج، وابستگی و... شناخته شده است. تحولات سال‌های آخر قرن بیستم نشان می‌دهد که در مجموع روند تبدیل حکومت کشورهای مختلف در جهان به سوی حکومت‌های دلخواه مردمان آن سرزمین‌ها به نفع دموکراسی در جریان بوده است. گرچه کودتا و حکومت نظامی گاه و بی‌گاه در نقطه‌ای از جهان رخ داده است اما تشکیل حکومت با روش دموکراسی نمایندگی بیشتر از گذشته بوده است. در این میان وضعیت در خاورمیانه نه تنها امیدوار کننده نیست، بلکه از لحاظ شاخص دموکراسی شاید سیر قهقرایبی نیز پیش‌بینی گردد. در این میان، ایران یک کشور استثنایی است. دموکراسی پارلمانی در ایران یک واقعیت زنده و پویاست که علیرغم تمامی موانع سد راه آن بخوبی توسعه یافته و پیش می‌رود. بدلیل آنکه در هر کشوری، کسانی که عهده دار تصمیمات استراتژیک هستند، تنها افراد معدود و یا جمع محدودی است و بدلیل آنکه این افراد با رجوع به برداشت‌ها و ادراکات خود از جهان واقع

تصمیم می‌گیرند، روند تکاملی دموکراسی و بسط آزادی‌های فردی و اجتماعی در ایران نشان دهنده نوع و طرز تفکر و بینش مسئولان اصلی کشور است. مشارکت مردم اساس انقلاب ایران بود. هر گاه که این انقلاب از پشتیبانی مردم محروم گردد، معلوم نیست که همچنان نام آن انقلاب باشد.

افول سکولاریسم:

مشخصات جوامع جدید و بخصوص کشورهای غربی و یا غرب‌زده را می‌توان در یک فهرست کوتاه بدین صورت مشاهده نمود:

عصر بی‌ایمانی و اصالت دنیا:

دنیا بی‌اعتنا به تدریج تباہ شده و در صدد است که همه آنچه را که مقدس و دینی است از بین ببرد.

بی‌اعتنایی به ارزشهای اخلاقی:

ضوابط و اصول اخلاقی به دلیل اصالت‌دادن به فرد، اومانسیم، جداافتادگی انسان از ساحت قدس، عصیان بر ضد اقتدار، از دست رفتن حس تنزه و تعالی، کمی شدن زندگی، فروکاسته شدن جامعه به صرف سرجمع عددی فرد از اهمیت گذشته برخوردار نیستند.

انتقال از پایه خانواده به پایه اصالت فرد:

آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس، تئوریسین حزب کارگر و نویسنده کتاب راه سوم می‌گوید که در حال حاضر همه مفاهیم دچار استحاله گردیده‌اند. مفهوم سنتی که خانواده سلول تشکیل‌دهنده جامعه بود و همچنین اینکه لزوماً خانواده باید دو پایه و از دو جنس مخالف داشته باشد، متحول گشته است. اکنون دیگر فرد، سلول تشکیل‌دهنده جامعه است. شمار فرزندهایی از کودکان در غرب در خانه‌هایی بزرگ می‌شوند که پدر یا مادر در آن حاضر نیست و



آن یکی هم که حاضر است، چون نمی‌تواند یک تنه اقتدار پدر و مادر را تواما ایفا کند. غالباً از زیر بار مسئولیتی که پدر و مادرها در خانواده‌های سنتی برای انتقال دادن ارزش‌های اخلاقی به جوانان و تدارک کردن ساختار اصلی زندگی ایشان بر عهده داشته‌اند، شانه خالی می‌کنند. بسیاری از جوانان ناچارند بتدریج خودشان زندگیشان را شکل دهند.

قطع شدن پیوندهای اقتصاد و اخلاق:

هم اکنون برخی از روش‌های تجارت کاملاً با کرامت انسانی در تضاد است و در عین حال به‌صورت مرموزی انجام می‌شود. فروش کودکان، بدم انداختن جوانان در مسیر مواد مخدر، فروش داروهای سکرآور و...

از هم‌گسیختگی جوامع غربی: امروزه اشتیاق شدید جوانان به شنیدن موسیقی پاپ، راک، هوی متال و پوشیدن لباس‌های مانند بلوجین که زبان حال میل به آزادی از قید و بندها و تحرک و تکاپو و اعلام استقلال یک تنه از قید ضوابط و معیارهای اجتماعی است، کاملاً واضح است.

تسخیرشدگی:<sup>۱</sup>

کشش جوانان به طرف اتوموبیل‌های پرسرعت و انواع تفریحاتی که، مثل همان ترتیباتی که در فیلم‌ها یا سایر تفریحات و سرگرمی‌های غربی دیده می‌شود، متضمن سرعت و جرأت باشد نیز کاملاً مشهود است. بسیاری از جوانان تیز و چابک پا در رکاب سفر می‌گذارند، بدون آنکه بدانند به کجا می‌روند.

چالش‌های مدرن و پست مدرن:

نظیر هیچ‌انگاری، لادری مشربی،<sup>۲</sup> اگزستانسیالیزم ملحدانه، مارکسیسم ماتریالیستی و

1. Mesmerism

2. Agnosticism

تنزل دادن همه عالم معنا و واقعیت‌های معنوی. یکی از مهمترین موضوع چالش‌های فوق، شورش بر ضد همان چیزی است که از نظر جوانان «سنت» تلقی شده باشد.

شکاف بین نسل‌ها:

در میان نسل‌های اخیر، هیچ نسلی بیش از نسل کنون جوانان غربی برای گریز از سنن و موارث آباء و اجداد خود نکوشیده است. در غرب سخن از عصیان نوجوانان، بحران تضاد میان جوانان و پدر و مادرها و پدیده‌هایی از این دست است. در بسیاری از شهرهای بزرگ، جوانان از پدر و مادر جدا هستند.

افراط‌گری جنسی:

گریش به روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج و حتی عدم پای بندی به چارچوبه ازدواج و نیز اشکال گوناگون همجنس بازی شتابی روزافزون دارد.

نفوذ رسانه‌های جمعی:

رسانه‌های جمعی برای مردم قهرمانان فرهنگی خلق می‌کنند و نظریات مردم را درباره امور و مسائل سیاسی و اجتماعی و حتی خود واقعیت در جهانی که مورد نظر باشد شکل می‌دهند. افزوده شدن تاثیر تحولات روزافزون بر قدرت هول‌انگیز رسانه‌ها، به آنها اثر مسحور کننده شهر فرنگ گونه‌ای داده است که همه کس را مجذوب می‌کند. آهنگ شتابناک تغییر و تحول را می‌توان در مد لباس‌ها، اطوار رفتارهای ظاهری در زندگی و حتی در هنر جدید دید که عملاً هر چند سال یکبار و در مورد مد لباس‌ها هر سال یکبار تغییر می‌کند.

پس از این مبحث می‌توانیم به مبحث دیگری که در مقوله جهانی شدن مطرح است، یعنی «دین و دینداری» بپردازیم. عده‌ای بر این باورند که جهانی شدن هیچگونه تضییق و تهدیدی جهت دین‌زدایی نیست و حتی جهانی شدن دین را نیز در بازار جهانی اندیشه قرار می‌دهد و از این رو فرصت برای دین پدید می‌آورد. فرصت از این لحاظ که دین می‌تواند با

تکیه بر تکنولوژی ارتباطات بر تعداد مخاطبان خود بیفزاید. برخی جهانی‌سازی را قرین با رشد معنویت، اخلاق، آئین‌ها و مذاهب گوناگون دانسته‌اند و برخی دیگر جهانی‌سازی را همراه با هجوم به ارزش‌های انسانی، اخلاقی و دینی می‌دانند. ولی به‌صورت کاملاً روشنی از سال‌های آخر قبل از فروپاشی اتحاد شوروی، گرایش به مذهب در جوامع مختلف مشاهده گردیده است. علاوه بر انقلاب اسلامی ایران، نهضت همبستگی در لهستان و پیوند آن با کلیسای کاتولیک، الهیات‌رهایی بخش در آمریکای لاتین، گرایش مردم مسلمان در آسیای مرکزی، قفقاز و جمهوری‌های مسلمان نشین روسیه به اسلام، تحرکات مسلمانان چین و هویت جدید اسلامی نهضت فلسطین نشانه‌های آشکاری از گرایش جوامع به مذهب است. در عین حال که آمریکا در پی متهم ساختن اسلام بعنوان منشاء تحرکات افراطی است، اما برخی از آمار نشان می‌دهد که در جوامع غربی شتاب جوانان برای مسلمان شدن حتی پس از ۱۱ سپتامبر و تبلیغات بی‌امان رسانه‌ها علیه این دین، بیشتر شده است. در برخی از جوامع نیز گرایش به مذهب به اشکال مورد توجه قرار دادن مجدد اخلاق و ارتباط فرد با غیب تجلی یافته است.

در چنین شرایطی فرصت تاریخی برای انقلاب اسلامی در جهت آشنا سازی مردمان دیگر جوامع با اندیشه‌های اسلامی پیش آمده است. این فرصت‌ها عبارتند از:

۱. قوت ایمان جوان مسلمان

۲. وجود شبکه‌های بین‌المللی ارتباطات، ارائه اسلام به زبان معاصر و با استفاده از تکنولوژی اطلاعاتی. هم اکنون در اینترنت تعالیم مربوط به خداوند، بشر، جهان طبیعت، فرجام کار انسان، وحی و... به‌صورت مستدل و بزبان‌های مختلف بیان می‌شود.

۳. شروع کاوش در ادیان دیگر توسط اندیشمندان مسلمان بر پایه وسعت فهم قرآن از دین.

۴. همگرایی یهودیت، مسیحیت و اسلام و تمایز آن با نیروهای مدرنیست، متجدد و غیردینی.

۵. وجود برخی از نشانه‌های هنر اسلامی در سطح جهانی که می‌تواند به یک مسلمان

غرور و استغناء بخشد مانند خوشنویسی، معماری، لباس، فرش، شعر، موسیقی و تلاوت قرآن. این‌گونه میراث، به یک مسلمان از حیث فضای هنری و فرهنگی که در آن نفس می‌کشد، برتری می‌بخشد.

۶. مطرح شدن حکمت خالده در غرب، از اوائل قرن بیستم در عین حال که غرب سخت گرفتار فلسفه‌های ضد مابعدالطبیعی و ضددینی بوده است، شاهد تجدید مطلع تدریجی فلسفه جاودان خرد<sup>۱</sup> نیز بوده است که تماماً با فلسفه جدید غرب مخالف و آن را از نقطه نظر فلسفه و حکمت، انحرافی از میراث ابدی بشریت می‌داند. افرادی نظیر رنه گنون، آناندا کومارا سوآمی، فریتهوف شوآن، تیتوس بوکهارت و... در طول قرن جاری در جهت احیای حکمت خالده سنت‌های گوناگون و معرفت سنتی نهفته در بطن ادیان معتبر تلاش کرده‌اند.

۷. پست مدرنیسم، برخی از اندیشه‌های فرامدرن در تلاش برای پایان دادن به فلسفه کنونی غرب است. به‌عنوان مثال ژاک دریدا منادی مکتب واساختگرایی و یا شالوده‌شکنی<sup>۲</sup> است که معتقد است از طریق نقد درونی و منهدم کردن همه ساختارهای معنایی موجود از قبل در غرب، به تعاریف جدیدی دست خواهیم یافت. هایدگر نیز معتقد است که کل مشغله فلسفی به آن معنایی تاکنون در غرب فهمیده می‌شد به پایان آمده است.

۸. رشد اسلام خواهی در اروپا و آمریکا؛ یکی از ویژگی‌های شیوه زندگی جدید، جستجوی مشتاقانه به دنبال معناست. از دست رفتن معنای زندگی برای بسیاری از مردم است که آنها را به بیراه‌های طلب لذت‌های آتی جسمانی از طریق روابط جنسی یا استفاده از مواد مخدر و یا گاهی خشونت و جنایت کشانده است. پدیده جستجو برای بازیافت معنای زندگی، بسیاری از مردمان هوشمند در غرب را برای نخستین بار به پیام معنوی فرهنگ‌ها و ادیان دیگر واداشته است و احترامی که امروزه طبقات مختلف برای عوامل معنوی قائلند، به مراتب بیشتر از احترامی است که استعمارگران انگلیسی و فرانسوی قرن نوزدهم برای جهان اسلام و سایر فرهنگ‌های آسیایی و آفریقایی قائل بوده‌اند.

۹. وجود یک میلیارد مسلمان در دنیا و به ویژه در مناطق اطراف ایران.

1. Perennial Philosophy

2. Deconstructionism

۱۲. ایران یکی از مهمترین کشورهای جهان بلحاظ استراتژیکی و ژئوپلیتیکی است<sup>۱</sup> از نقاط قوت این کشور می‌توان به همسایگی با ۱۵ کشور در مرزهای خاکی و آبی خود اشاره داشت.<sup>۲</sup> این کشور دومین دارنده ذخائر نفت خام در جهان پس از عربستان سعودی، و دومین دارنده ذخائر گاز جهان پس از فدراسیون روسیه است. اگر نگاهی به موقعیت جغرافیایی ایران بیفکنیم، متوجه خواهیم شد که ایران واسطه‌ای مابین دو منطقه مشحون از انرژی در جهان یعنی خلیج فارس و دریای خزر است. در محیط پس از جنگ سرد، ایران به‌صورت یک قدرت منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی پدیدار گشت و در حالیکه از لحاظ ژئو استراتژیک اهمیت خود را افزایش داد، در دو منطقه بزرگتر یعنی خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز نفوذ خود را افزایش داد.<sup>۳</sup> در هر منطقه، سیاست‌های ایران مشخص کننده نیازهای اقتصادی و امنیتی ایران بود. و به همین دلیل سیاست‌های ایران گاه در بخش دو جانبه با کشورهای مناطق موصوف با سیاست‌های چند جانبه ایران در همان مناطق همپوشانی داشت. در جنوب روابط جدید ایران با عربستان سعودی، قطر و اخیراً امارات عربی متحده نشان از نگرش جدید سیاست خارجی ایران به کشورهای مزبور دارد. در آسیای مرکزی، ایران به‌صورت کلی مایل به انکشاف روابط از طریق سیاست‌های چند جانبه است. مورد مشخص آن تشویق کشورهای این منطقه به پیوستن به سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) است. در همین زمینه می‌توان گفت که در حالیکه محرک ایران برای همکاری‌های خود با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز همچنان اقتصادی است، در جنوب، دلیل اصلی همکاری‌های ایران در خلیج فارس، محرک‌های امنیتی ناشی از حضور سربازان آمریکایی در منطقه می‌باشد.

۱. برای مطالعه اهمیت ایران در جهان معاصر بنگرید:

گراهام فولر، ایران، قبه عالم، ترجمه عباس مخبر، ۱۳۶۵.

2. Maleki, Abbas; "Who determines the Iran's Boundaries in the Caspian Sea", delivered in "Symposium on Modern Bounares of Iran: The Problems and Practices of Iranian Boundaries" School of Oriental and African Studies (SOAS), University of London; London, October 9 & 10, 2002.

۳. مصطفی ملکوتیان، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۳، ص ۲۲۳-۲۰۳.

۱۳. طبیعت عمومی ساختار قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران روشن و مانند

#### سایر اکثر کشورهاست

اما دارای ظرافت‌ها و پیچیدگی‌هایی است که بیشتر باید بدان‌ها توجه نمود. از یک سو، فلسفه حکومت در ایران با دیگر کشورها مشترک است. قدرت حکومتی در ایران به سه بخش تقسیم شده و قوای مقننه، مجریه و قضائیه وجود دارند. از سوی دیگر، پروسه سیاسی در ایران دارای ساختار و سلسله مراتب خاص خود است که این مبحث سعی می‌کند گوشه‌ای از آن را منعکس نماید. در نظام دموکراسی پارلمانی در ایران، ۲۹۰ نماینده مجلس برای چهار سال بوسیله مردم برگزیده می‌شوند. رئیس جمهور توسط مردم برای چهار سال انتخاب می‌شود که حداکثر دوبار یک شخص به صورت متوالی می‌تواند رئیس جمهور شود. رئیس جمهور بعنوان رئیس اجرایی حکومت، مسئولیت مدیریت بر همه امور جاری کشور را داراست. رئیس جمهور ۲۲ وزیر را به پارلمان پیشنهاد می‌نماید. وزراء به صورت مستقیم در برابر مجله پاسخگو هستند.

۱۴. اما آنچه که در نظام ایران متفاوت است، ماهیت مذهبی آن است.

۸۶ نفر از علمای اسلامی توسط مردم بعنوان اعضای مجلس خبرگان به مدت ۸ سال انتخاب می‌شوند. سپس این نهاد، رهبر عالی انقلاب اسلامی را انتخاب کرده و در طول دوره نسبت به عملکرد او نظارت می‌نمایند. رهبر انقلاب رئیس قوه قضائیه را منصوب می‌نماید که کلیه دادگاه‌های عمومی انقلاب و نظامی را زیر نظر دارد. رهبری علاوه بر این فرماندهی نیروهای مسلح را نیز به عهده دارد. شورای نگهبان، نهادی است که مسئولیت انطباق مصوبات مجلس را با قوانین اسلامی داراست. این نهاد همچنین تفسیر قانون اساسی را به عهده داشته و نظارت بر حسن انجام انتخابات ریاست جمهوری، پارلمان و مجلس خبرگان به عهده اوست. مجمع تشخیص مصلحت نظام در پس از تغییراتی که در قانون اساسی در سال ۱۳۶۷ بوجود آمد، تاسیس شد. همه ۳۸ عضو این شورا، از تفکرات سیاسی مختلف، احزاب و جمعیت‌های

متفاوت<sup>۱</sup> توسط رهبری منصوب می‌گرداند.<sup>۲</sup> مسئولیتهای مجمع تشخیص مصلحت عبارت است از پیدا کردن راه‌هایی برای رفع بن‌بست مابین پارلمان و شورای نگهبان در صورت لزوم، مشاوره دادن به رهبری و پیشنهاد نمودن خطوط کلی سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی. شورای عالی امنیت ملی نیز در پس از بازنگری در قانون اساسی بوجود آمد. رئیس‌جمهور، ریاست شورای عالی را به عهده داشته و این شورا تلفیقی از نهادهای استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است. دو نماینده از طرف مقام معظم رهبری، روسای سه قوه (رئیس‌جمهور، سخنگوی مجلس و رئیس قوه قضائیه)، وزرای امور خارجه، کشور، اطلاعات و دفاع، فرماندهان نیروهای مسلح مانند ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعضای این شورا هستند. شورای عالی، سیاست خارجی، سیاست دفاعی و سیاست‌های امنیتی نظام را تدوین می‌نماید. مصوبات شورا پس از تأیید رهبری قابل اجراست.

#### ۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بروشنی ارجحیت‌های سیاست خارجی

ایران را روشن ساخته است

چهار گروه از کشورها به ترتیب دارای اولویت می‌باشند:

۱. همسایگان ایران
۲. کشورهای مسلمان
۳. کشورهای جهان سوم و
۴. کشورهایی که به نوعی یکی از نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا نظامی ایران را برطرف سازند. مهمترین منبع و مآخذ برای شناخت اهداف سیاست خارجی ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که با توجه به آنچه که در مقدمه و اصول آن آمده است، می‌توان اهداف نظام و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را

۱. در ۲۵ اسفند ۱۳۸۱، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره جدید را منصوب نمودند.

2. <http://www.iran.com/en/head/020316230512.ehe.shtml>

که براساس اصول و ضوابط اسلامی تدوین شده است بشناسیم. مجموع اهداف سیاست خارجی ایران با بررسی قانون اساسی موارد زیر است:

- سعادت انسان در کل جامعه بشری؛<sup>۱</sup>

- استقلال کشور؛<sup>۲</sup>

- ظلم ستیزی و عدالت خواهی و طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزه حق طلبانه

مستضعفین؛<sup>۳</sup>

- تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان،<sup>۴</sup> ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان

اسلام<sup>۵</sup> و نیز دفاع از حقوق مسلمانان جهان؛<sup>۶</sup>

- نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی<sup>۷</sup> و نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری<sup>۸</sup> و عدم

تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر؛<sup>۹</sup>

- طرد کامل استعمار<sup>۱۰</sup> و جلوگیری از نفوذ اجانب<sup>۱۱</sup> و حفظ تمامیت ارضی<sup>۱۲</sup> و نیز نفی و

اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصاد کشور،<sup>۱۳</sup> فرهنگ و

ارتش گردد؛<sup>۱۴</sup>

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۲.

۲. اصل ۴، بند ج.

۳. اصل ۲.

۴. اصل ۳.

۵. اصل ۳.

۶. اصل ۱۵۲.

۷. اصل ۲، بند ج.

۸. اصل ۲، بند ج.

۹. اصل ۱۵۲.

۱۰. اصل ۳، بند ۵.

۱۱. اصل ۳، بند ۵.

۱۲. اصل ۳، بند ۱۱.

۱۳. اصل ۴۳، بند ۸.

۱۴. اصل ۱۵۳.



- روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب؛

- صداقت و وفای به عهد در معاهده‌ها.<sup>۱</sup>

۱۶. در جمهوری اسلامی ایران ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی مشخص می‌باشد

گروه‌های سیاسی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی وجود دارند که در اعمال سیاست‌های متخذه ارگان‌های رسمی ذی نفوذ بوده و عکس‌العمل نشان می‌دهند. از جمله می‌توان از بیوت آیات عظام، ائمه جمعه، احزاب سیاسی، جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نهادهای انقلابی، رسانه‌ها و از جمله مطبوعات را نام برد. اما تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دارای سلسله‌مراتب و نظام معینی است. بر طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، جمهوری اسلامی دارای سیستم حکومتی بر پایه تفکیک قواست. تدوین سیاست خارجی در ایران و اجرای آن عمدتاً در حوزه اختیارات رهبری، قوه مقننه و قوه مجریه است که هر کدام دارای اختیارات محدود در این زمینه می‌باشند.

مقام رهبری:

بخش مهمی از تصمیمات سیاست خارجی بطور مستقیم و یا غیرمستقیم بر عهده رهبری می‌باشد. مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های کلی نظام، اختیار اعلام جنگ و صلح با رهبری است. از طرف دیگر، کلیه مصوبات شورای عالی امنیت ملی که بخش مهمی از آنها در ارتباط با سیاست خارجی است، می‌باید به تأیید رهبر رسیده و رهبر دارای اختیار برای نصب دو نفر در شورای مزبور را دارد.

ریاست جمهوری:

رئیس‌جمهور بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مسئولیت اجرای قانون و تنظیم روابط قوای

۱. ذکر با متولی، چگونگی افزایش کارآیی سیاست خارجی، ص ۱۱۶-۱۲۰.

سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد. در ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، رئیس‌جمهور با تعیین و معرفی وزیر امور خارجه، با انتخاب سفرا و نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و پذیرش سفرای خارجی مقیم تهران، در امضای عهدنامه‌ها، مقابله نامه‌ها، موافقت نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دول و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی ذی‌مدخل است.

هیات دولت:

سیاست کلی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی به صورت مصوبات و با دستور العمل‌های رهبری از طریق هیات وزیران و با توجه به مسئولیت‌های هر یک از وزارتخانه‌ها به مرحله اجرا درمی‌آید. در ابتدای هر سال دولت برنامه سالانه خود را به مجلس ارائه داده و مجلس با تصویب برنامه و اختصاص بودجه نقش مهمی در اجرای سیاست خارجی دارد. برقراری و یا قطع روابط دیپلماتیک و همچنین کاهش و گسترش روابط با کشورهای دیگر نیز از جمله اختیارات قوه مجریه است.

مجلس شورای اسلامی:

عالی‌ترین نهاد قانونگذاری کشور بوده و در عموم مسائل، در حدود مقرر در قانون اساسی و با رعایت موازین شرع و اصول قانون اساسی می‌تواند وضع قانون نماید. مجلس شورای اسلامی از طریق تصویب کلیه عهدنامه‌ها، مقابله نامه‌ها و موافقت نامه‌های بین‌المللی در سیاست خارجی دخالت می‌نماید. همچنین هر گونه تغییر جزئی در خطوط مرزی، ارجاع به داوری، دریافت و یا اعطای وام و استخدام کارشناسان خارجی به عهده مجلس شورای اسلامی است.

شورای عالی امنیت ملی:

اصل ۱۷۶ قانون اساسی، وظائف شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور را تعیین

سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور، هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگ و اقتصادی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی می‌داند. بخش عمده‌ای از وظائف شورای عالی امنیت ملی در محدوده روابط خارجی کشور می‌باشد.

شورای نگهبان:

این شورا نیز با اختیاراتی که اصول ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی در تأیید نهایی مصوبات مجلس شورای اسلامی به آن داده، مسئولیت تطبیق قوانین مصوبه مجلس را با قانون اساسی و شرع دارد و می‌تواند در کنترل سیاست خارجی نقش ایفا نماید.<sup>۱</sup>

مجمع تشخیص مصلحت نظام:

این مجمع گرچه بعنوان بازوی مشورتی رهبری شناخته شده است، اما در تدوین سیاست‌های کلی نظام و همچنین اظهار نظر در مواردی که اختلاف نظر مابین مجلس و شورای نگهبان رفع نمی‌شود، اهمیت دارد.

قوه قضائیه:

هر چند که قوه قضائیه مستقیماً در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران دخیل نیست، اما در دو بخش حضور این قوه پررنگ می‌شود. اول مواردی مربوط به تحولات قضایی کشور و الزام وزارت امور خارجه به پاسخگویی در برابر نهادهای حقوق بشری مانند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و یا کمیته حقوق بشر مستقر در ژنو است. دوم قوه قضائیه با داشتن دو بازوی نظارتی یعنی دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور بر فعالیت‌های وزارت امور خارجه نظارت می‌نماید.<sup>۲</sup>

۱. بیژن ایزدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰۷ - ۱۳۰.

۲. حمید نیرآبادی، ساختار رسمی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۷۴.

وزارت امور خارجه:

گرچه مطابق قانون اساسی و قانون شرح وظایف وزارت امور خارجه مصوب ۲۰ فروردین ۱۳۶۴، وزارت امور خارجه عهده‌دار اجرای سیاست خارجی است،<sup>۱</sup> لیکن نقش این وزارتخانه به دو دلیل از صرف اجرا بالاتر می‌رود. اول آنکه در اکثر مراجع تصمیم‌گیر همچون شورای عالی امنیت ملی و هیات دولت، وزیر امور خارجه عضویت داشته و در مراجع دیگر مانند مجلس شورای اسلامی و یا مجمع تشخیص مصلحت موضوع با حضور نماینده‌ای از وزارت خارجه بحث و بررسی می‌گردد. دوم آنکه در برخی از اوقات حادثه پیش آمده بقدری سریع و غیر مترقبه است که نمایندگی‌ها و مرکز وزارت خارجه نمی‌تواند منتظر گردش کار در فضای بوروکراتیک تصمیم‌گیری سیاست خارجی گردند. در این گونه اقوات، وزیر امور خارجه راساً تصمیم گرفته و سپس مراتب را به مقامات دیگر گزارش می‌دهد. از این گذشته، آنچه که در حوزه مسئولین وزارت امور خارجه قرار دارد، امر کنترل، نظارت ایجاد ارتباط و تامین نمایندگی‌ها و همچنین تهیه و جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان و مجریان سیاست خارجی می‌باشد. در این ارتباط وظائف وزارت خارجه عبارتست از:

الف) توجه و مراقبت دائم درباره وقایع بین‌المللی و اوضاع داخلی کشورها و تهیه گزارش.

ب) بررسی، برقراری، حفظ و توسعه روابط خارجی دولت ایران با سایر دول و سازمان‌های بین‌المللی.

ج) انجام مذاکره و مکاتبات با دول خارجی و سازمان‌های بین‌المللی.

د) اداره ماموریت‌های سیاسی و کنسولی وزارت امور خارجه و نظارت بر نمایندگی‌های دولت در خارج از کشور.

ه) انجام و تامین ارتباط بین ارگان‌های مختلف دولت با دول خارجی.<sup>۲</sup>

۱. وزارت امور خارجه، سیاستگذاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، ص ۱۵۳.

۲. منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل، ص ۹۵ - ۹۸.

۱۷. اجرای سیاست خارجی، از موضوعات مهم در فرآیند سیاست خارجی است. پس از اتخاذ تصمیم، سیاستگذاران باید آن را به اجرا گذارند. اجرای سیاست خارجی تفاوت بسیاری با اجرای سیاست داخلی دارد. در سیاست داخلی، دولت توسط حاکمیت و کنترل یکه بر اتباع خود دارد، اجرای تصمیمات را تضمین می‌کند. لیکن در سیاست خارجی، هیچ دولتی بر دولت دیگر کنترل حاکمانه ندارد. نخستین مرحله برای اجرای سیاست خارجی، توضیح قانع کننده می‌باشد. کشورهایی که همکاری آنها برای اجرای تصمیمات ضروری است، باید قانع شوند که سیاست اتخاذ شده به نفع آنها نیز هست. پس از بیان محتوای سیاست خارجی برای بازیگران ذیربط و یا رقیب، چانه زدن برای حصول نقطه نظر مشترک آغاز می‌شود.<sup>۱</sup> در حالی که چانه زنی ادامه دارد، بازیگری که خواهان اجرای سیاست معینی است، می‌تواند از ابزارهایی برای وارد کردن دیگران بهره گیرد. ابزارها و تکنیک‌های اجرای سیاست خارجی عبارتند از:

- ابزارهای سیاسی، که عمدتاً از تلاش‌های پرسنل ماهر تشکیل شده است. اینان می‌توانند در کشور هدف بگونه‌ای عمل کنند که فرآیند سیاسی آنها در جهت منافع کشور خویش هدایت کنند.

- ابزارهای دیپلماتیک، که از افراد با مهارتی که نماینده حکومت خود در کشورهای ذیربط هستند، تشکیل شده است. وظیفه آنان مذاکره و چانه زنی با کشورهای هدف به منظور دستیابی به توافق بر سر منافع ملی است.

- ابزارهای اطلاع رسانی و ارتباطات که وظیفه آنها برقراری ارتباط با افکار عمومی و رسانه‌های جمعی کشورهای هدف است.

- ابزارهای اقتصادی که عمدتاً در دست کشورهای غنی‌تر و پیشرفته‌تر است، یکی از معمولی‌ترین و کارآمدترین ابزارهای اجرایی سیاست خارجی است. هر چه کشور هدف، از لحاظ اقتصادی به کشور صاحب تصمیم وابسته‌تر باشد، ابزارهای اقتصادی تعیین کننده‌تر خواهند بود.

- ابزارهای نظامی، که بوسیله آن علیه کشور هدف، زور اعمال می‌شود تا به منافع صاحبان سیاست گردن گذارد. معمولاً ابزار نظامی پس از بی‌کفایتی و عدم کارایی سایر ابزارها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

۱۸. در عین حال تعامل ایران با نظام بین‌الملل دارای انتقاداتی نیز هست این بخش در پی آن بود که نشان دهد که چگونه جمهوری اسلامی ایران ابعاد متنوع یک حکومت اسلامی را با دمکراسی پارلمانی درآمیخته است. بسیاری از محققان بر دوگانه‌بودن نظام جمهوری اسلامی ایران پای فشرده‌اند، اما بنظر می‌رسد که در طراحی و تصمیم‌سازی سیاست خارجی، نوعی اجماع در میان تصمیم‌سازان وجود دارد. خصوصاً زمانی که تهدیدی متوجه کشور است، تصمیمات حکومت در مورد سیاست خارجی بیشتر به سمت حفظ منافع ملی میل می‌نماید.

از دیدگاه نقادانه اگر به فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نگاه افکنیم، متوجه خواهیم شد که این فرآیند نسبتاً طولانی است و در مواقع بحرانی که کمبود زمان از مشخصات اصلی آن است، این پروسه ناکارآمد خواهد بود.

سازگاری و یا عدم سازگاری اهداف سیاست خارجی با فضای حاکم بر صحنه محیط بین‌المللی ضرورتاً از اهداف تعارضی ناشی نمی‌شود. گاه ممکن است که دیپلماسی ضعیف، محافظه‌کار و بدبینانه تصمیم‌گیران و یا مجریان موجب شود تا بسیاری از اهداف همگون و حتی غیر متعارض بازیگران در صحنه محیطی به اجرا درنیایند.

چون محیط عملیاتی و اجرایی سیاست خارجی فراتر از محیطی است که در آن تصمیم اتخاذ می‌شود، طبیعی است که درصدی از اهداف سیاست خارجی در صحنه عملیاتی بین‌المللی عقیم و انجام نشده باقی بماند.

ارزیابی سیاست خارجی در واقع به معنای تعیین خوب و یا بد بودن آنست. به عبارت دیگر، مسئله ارزیابی در درجه اول به ارزش‌ها باز می‌گردد. ارزیابی مبتنی بر این نگرش، هر

تصمیمی را که در شرایط فعلی بتواند اهداف سیستم سیاسی را تامین کند، خوب و گرنه آنرا بد می‌داند. به دیگر سخن، بهترین تصمیم آن است که با در نظر گرفتن موقعیت و لحاظ کردن امکانات و توانایی‌های بازیگران، با هزینه‌ای معقول بتواند هدف سیستم سیاست خارجی را تامین کند.<sup>۱</sup>

برای یک ارزیابی کارآمد، تحلیلگر سیاست خارجی، باید اطلاعات لازم و کافی نسبت به آرمان‌ها و اهداف تصمیم‌گیرندگان، افراد و نهادهای دست‌اندرکار تصمیم، سازمان تصمیم‌گیری و مدل بکار گرفته شده در فرآیند سیاستگذاری را در اختیار داشته باشد.

کارنامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که از یکسو دستاوردهای بزرگی از قبل سیاست‌های واقع‌گرایانه این بخش از نظام نصیب کشور و ملت گشته است. از سوی دیگر روابط خارجی ایران در صورتیکه با استاندارد یک سیاست خارجی نسبتاً موفق مقایسه گردد، از انتظارات مردم و نظام ایران پائینتر است. این مسئله به عوامل متعدد باز می‌گردد که یکی از آنها سازمان ضعیف وزارت امور خارجه برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی است.

آنچه اهمیت دارد آن است که در ساختار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی باید بر یک نکته مهم پای فشرده و آن این است که نظام جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به اهداف خود لازم است از یک هماهنگی در تصمیم‌گیری برخوردار باشد و دستگاه مجری بتواند در تعامل با موضوعات مختلف و بازخورهای ناشی از آن بر کل دستگاه تصمیم‌گیری اشراف و تسلط داشته باشد.

۱۹. دوره‌های مختلف سیاست خارجی ایران نمادی از تعامل انقلاب اسلامی و نظام بین‌المللی است

جمهوری اسلامی اسران بعنوان نظام برخاسته از انقلاب اسلامی ایران در حقیقت عملکرد اندیشه‌های انقلاب را در صحنه عمل نشان داده است. برای فهم بیشتر سیاست خارجی انقلاب، تجربیات سیاست خارجی انقلاب را به سه دوره تقسیم می‌نمائیم:

1. Etzioni, Amitai; *The Active Society*; New York: The Free Press, 1968.

الف) دوره امام خمینی (۶۸-۱۳۵۷)

در چند سال اول انقلاب، سیاست داخلی تمام توجه رهبران جمهوری اسلامی را اشغال کرده بود و امور خارجی در اولویت‌های بعدی قرار گرفت. هر چند بعضی اظهارات، عمدتاً از افراد غیرمسئول و یا ائمه جمعه ترس رژیم‌های منطقه را به همراه داشت. نخستین وظیفه نخبگان مسلمان جدید این بود که مهار قدرت دولت و نهادهای دولتی را در رقابت با چپ‌ها و ملی‌گرایان در اختیار بگیرند. وظیفه بعدی ایجاد نهادهایی بود تا با این سیستم وفق پیدا کنند و آنرا در برابر دشمنان خارجی و داخلی محافظت کنند. در ابتدا رهبری جدید چاره‌ای جز این نداشت که در چارچوب دیوانسالاری موجود عمل کند، همچون تأیید امام از ارتش و یا همکاری آیت‌الله بهشتی با ادارات دولتی در حالی که نخبگان جدید از این دیوان‌سالاری نفرت داشتند. سیاست خارجی در سال‌های ابتدایی یک مبحث الحاقی بر سیاست داخلی بود. اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ نقطه چرخش این روند بود. اشغال سفارت هماهنگی کاملی با احساسات عمیق ضد امپریالیستی انقلابیون داشت. خطوط اصلی سیاست خارجی جهت‌گیری استقلال طلبانه‌ای داشت که نشانه یک دوره پس از استعمار است. شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی نیز همین موضوع را تأیید می‌نماید. نکته دیگر آن بود که به‌رغم آنکه انقلاب در ایران اتفاق افتاده بود، اما مسئولیت ذاتی انقلاب که آزاد کردن محرومان و مستضعفان پنداشته می‌شد، نیز در میان بود. نکته دیگر تغییر شدید در مسیر منطقه‌ای سیاست خارجی ایران از دوستی و اتحاد استراتژیک شاه با اسرائیل به دوستی با فلسطین شکل ظهور آن بود. نکته‌ای که به شکل کامل در تسخیر نمایندگی اسرائیل در تهران و تحویل آن به سازمان آزادی بخش فلسطین متجلی شد. ایران بازیگر مهم در جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی گردید و آخرین نکته دشمنی با آمریکا بعنوان مقصر اصلی در روند وابستگی ایران از بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۷ می‌باشد. جنگ عراق علیه ایران پاسخی به موضع استقلال‌طلبی انقلاب ایران بود که مدت ۸ سال ایران و ایده‌های جهانی انقلاب ایران را زمینگیر کرد. با اروپا نیز گرچه روابط در این دوره در حالت صلح سرد بود و اروپا به منابع و بازار ایران می‌نگریست و ایران به تکنولوژی و اجناس اروپا، اما در ۱۳۶۸، فتوای امام در مورد ارتداد سلمان رشدی روابط را با چالش جدی مواجه کرد.



(ب) دوره بازسازی (۷۶-۱۳۶۸)

در انتهای جنگ، زمانی که ایران به فکر آینده افتاد، ملاحظه کرد که جنگ علیرغم آثار مثبتی همچون الزام به خودکفایی ایران را به فرستودگی اقتصادی، ناکافی بودن بودجه بخاطر هزینه‌های جنگ، ضعف تجهیزات نظامی، انزوای بین‌المللی و دیپلماتیک کشانده است. در همان دوره قانون اساسی اصلاح شد تا قوه مجریه بتواند با تقویت و تمرکز تصمیم‌گیری ایران را به طرف بازسازی پیش ببرد. آقای هاشمی رفسنجانی تلاش کرد تا با جذاب نشان دادن سیاست خارجی ایران، راه را برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران باز نماید. او می‌گفت که ایران باید روند دشمن‌سازی را متوقف سازد.<sup>۱</sup> اروپا در این دوره با توجه به منابع نفت و گاز ایران و بازار ۶۰ میلیونی به ایران روی خوش نشان داد و در نتیجه همکاری دوطرف، گروگان‌های غربی در لبنان آزاد شدند. در این مسیر او به کشورهای عرب خلیج فارس علائم مثبت فرستاد و همزمانی این علائم به اشغال کویت توسط عراق تصویر ایران در میان کشورهای عرب را بهبود بخشید. با اروپا نیز این روش دنبال شد. سفر رفسنجانی به پکن، توکیو و مسکو قبل از ورود او به دفتر ریاست جمهوری نیز موقعیت ایران در آسیا را بهتر کرد. بازسازی اقتصادی نیز برای دیگر کشورها فرصتی برای سرمایه‌گذاری در ایران بود. هر چند روابط با آمریکا رسماً تغییری نکرده، اما شرکت‌های آمریکایی به عرصه نفت و گاز ایران وارد شدند و روابط غیردولتی گسترش یافت. فروپاشی شوروی، به ایران امکان بازیگری در فضاهای جدید را داد که تا آن موقع برای هیچ کشوری چنین فرصتی فراهم نشده بود.<sup>۲</sup> اما همه چیز بر همین منوال پیش نرفت. آمریکا به یکباره با طرح مهار دوجانبه، سپس با طرح داماتو و آنگاه قانون تحریم ایران و لیبی، سعی در انزوای بیشتر ایران نمود. روابط با اروپا نیز تحت تاثیر قتل بختیار و واقعه رستوران میکونوس بشدت تیره شد و سفرهای کشورهای اروپایی از تهران رفتند. در انتهای دوره هاشمی رفسنجانی به آفریقا سفر کرد و دل به آفریقا خوش داشت. اما اقدامات او با رفتن از کاخ ریاست جمهوری توسط ادارات ایرانی متوقف شد.

۱. محسن میلانی، شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده.

2. kargar ramazani, Ruhollah, "Iran's Foreign Policy: Both North and South", *Middle East Journal*, No. 393, 1993, Pp. 393 - 412.

ج) دوره اصلاحات (۸۴-۱۳۷۶)

مبارزه انتخاباتی خاتمی حول سه موضوع بود: اصلاحات سیاسی، پیشبرد جامعه مدنی و حاکمیت قانون. همانطور که ملاحظه می‌شود، هیچکدام از شعارهای او مستقیماً به سیاست خارجی ارتباط نداشت، اما انتخاب خاتمی توانست فشار وارد بر سیستم در دو سطح داخلی و بین‌المللی را کاهش دهد و چهره خوشایندتری از جمهوری اسلامی عرضه کند. او دو راهبرد دیپلماتیک را مطرح نمود. اول، گفتگوی تمدن‌ها که از آن در روابط با اروپا، ژاپن و مصر استفاده کرد. و دوم تنش زدایی که با آن روابط با کشورهای عربی را تعمیق بخشید. اتحادیه اروپا بیشترین تمایل را برای پذیرفتن قول اصلاحات بعنوان نتیجه انتخاب خاتمی نشان داد و اتحاد اقتصادی و دیپلماتیک با ایران را تشویق کرد.

۲۰. آینده تعامل ایران و نظام بین‌الملل روشن است.

گرچه برخی بر این باورند که انقلاب ایران به نقطه دوری خود (ترمیدور) نزدیک می‌شود، اما از آنچه که گفته شد می‌توان دریافت که جمهوری اسلامی ایران در آینده می‌تواند بهتر از گذشته عمل نماید، اگر:

۱. فاصله مابین شعار و عمل را در سیاست خارجی کم نماید. برخی اوقات شعارهای کوچکتر اما قابل دسترستر، مناسبتر از آرزوهای بزرگ است.
۲. به واقعیات صحنه بین‌المللی توجه عمیقتر نماید. دیرزمانی است که دیگر نظام دو قطبی از جهان رخت بر بسته است. اینکه آیا نظام حاکم بر روابط بین‌الملل یک قطبی و یا چند قطبی است، بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد، اما استفاده از روش‌های مطرح در نظام دو قطبی دیگر امکان‌پذیر نیست. تنها می‌توان گفت که دوران فعلی نظام بین‌الملل دوران گذار است. در این شرایط ایران می‌باید فرصت‌ها و تهدیدات مربوط به خود را در محیط بین‌المللی عمیقاً مورد بررسی قرار دهد و با نقاط قوت و ضعف خود در هم آمیزد و راهبردهای مقتضی را اتخاذ نماید.

۳. ایران بدنبال متحدین جدیدی باید باشد. دیگر نهضت عدم تعهد مانند گذشته دارای

موقعیت ویژه در روابط بین‌الملل نیست، در عوض کشورها بعنوان واحدهای سیاسی بعضاً دارای نفوذ عمده‌ای در صحنه جهانی شده‌اند. منطقه‌گرایی می‌تواند یکی از موارد پیش‌رو در سیاست خارجی ایران باشد.

۴. نگاه به آسیا می‌تواند استراتژی انتخابی ایران برای آینده باشد. ایران، روسیه، چین و هند چهار کشور بزرگ آسیایی هستند که می‌توانند با یکدیگر تعاملات نزدیکتر و ویژه داشته باشند.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### کتابشناسی

- کالورت، پیتر، انقلاب و ضد انقلاب، ترجمه حسن فشارکی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- دفرونزو، جیمز، انقلاب اسلامی ایران از چشم انداز نظری، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

- اسپوزیتو، جان ال، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

- مک‌کی، ساندرا، ایرانی‌ها: ایران، اسلام و روح یک ملت، ترجمه شیوا رویگریان، تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۰.

- حسینیان، روح‌الله، چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن و توسعه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

- Katz, mark, N., Revolutions and revolutionar, Waves new york: st. martin press.
- Brinton, Crane; the Anatomy of Revolution, new york Vantage Book, 1965.
- Johnson, Chalmers, Revolutionary Change, Boston, Little Brown, 1966.
- Pitirim. A. sorokin, "Fluctuations of Internal Disturbances", in:

struggles in the state, George Kelly & Clifford Brown (eds), New York: Wiley, 1970.

- Almond & Powell, Comparative politics: A Developmental Approach, Boston: Little, Brown and Company, 1960.
- Jack Goldstone, "Toward the Fourth Generation of Revolutionary theory Annual Reviews.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی